



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۰۹



م. اسحاق نگارگر

## اصطلاح خرفروشی و خرفروشانه در زبان و ادب دری



در گذشته های دور یعنی آن گاه که کار حمل و نقل در بسیاری از گوشه های جهان به گردن خر بود اصطلاح خرفروشی و خرفروشانه بر جنگ های مصلحتی و دعوا های لفظی اطلاق می شد.

حضرت مولانا در دیوان شمس می گوید:

**خر فروشانه یکی با دگری در جنگند**

**لیک چون در نگری متفق یک کارند**

امروز در تلویزیون الجزیره تماشا می کردم که جناب "دونالد ترامپ" بر خبرنگار سی. ان. ان. غرید و به او گفت:  
**«تو بی ادب استی و سی. ان. ان. از استخدام خودت باید خجالت بکشد.»**

مثل اینکه امریکا یک نوع دموکراسی تازه را آزمایش می کند و رهبر جامعه به جای پاسخ دادن به پرسش یک خبرنگار با حربه تحقیر و توهین او را بر سر جایش می نشاند تا دیگران هم به حساب خود برسند و از خیر ژورنالیزم تحقیقی بگذرند و هرگز مزاحم رهبران خطاکار نشوند.

با خود گفتم:

«ما افغانها که در فن تقلید دیپلوم ها داریم زود است که سیاستمداران ما این رسم نامیمون را که تهداب گذارش جناب "دونالد ترامپ" است تقلید نمایند و اگر خبرنگاری خواست که در باره رشوت ها و اختلاس های آشکار پرس و پال کند با همین حربه "دونالد ترامپ" به پیکار او بروند.

غرق در همین اندیشه ها بودم که در صفحه دوست ارجمند خویش جناب میر عنایت الله آشفته خواندم که سیاستمداران افغان نیز برای رقابت بر کرسی ریاست جمهوری صف آرای می ها کرده اند و چهار تیم آماده گردیده است به طوری که هر تیم وقتی به پیروزی برسد آن سه تیم دیگر نیز بر خر مراد سوار می شوند و منافع خود را از بازخواست ملت و محاکمه قانون نجات می دهند.

همین بود که اصطلاح کهنه و تقریباً متروک خرفروشی به یادم آمد و در یافتن که مولانا در همین گونه مورد گفته بود:

## خرفروشانه یکی با دگری در جنگند لیک چون درنگری منفق یک کارند

نُخست تیم ها و طرفداران را از نظر می گذرانم:

1 ( 1- اشرف غنی با معاونت عطا محمد نور و سرور دانش که طرفدارانش گلبدین حکمتیار؛ محمد کریم خلیلی؛ صبغت الله مجددی و دیگران هستند. شما در این تیم جدال های جناب نور را با اشرف غنی از یک سو و حکمتیار از سوی دیگر در نظر بگیرید و این مسأله را هم از یاد نبرید که جناب نور منشی جمعیت اسلامی است و رئیس جمعیت اسلامی یعنی صلاح الدین ربانی در تیم دوم یعنی تیم داکتر عبدالله رفته است یعنی جناب رئیس به جناب منشی حزب خود گفته است:

2 ( «اندیوال کار از محکم کاری درز نمی کند تو برو در تیم اشرف غنی و من می روم در تیم عبدالله هر تیم که به قدرت برسد من و تو به مقصود رسیده ایم!»

3 ( 2- در تیم دوم عبدالله است که معاونانش خالد پشتون و محمد محقق هستند و در لست طرفداران این تیم نیز غیر از صلاح الدین ربانی نامورانی چون دوستم؛ ظاهر قدیر؛ همایون همایون و دیگر اعوان و انصار عطا محمد نور و ائتلاف نجات وجود دارند که اگر آن ائتلاف یک ائتلاف متحد و به هم بسته بود چه گونه و چرا آن و فاداری را این گونه به اجزاء تقسیم نموده در بازار انتخابات آورده اند؟

4 ( 3- در این تیم جناب اتمر که عطا محمد نور؛ محقق؛ صلاح الدین ربانی و دیگران استعفاى او را از مقام مشاوریت امنیت ملی تقاضا میکردند و اگر این تقاضا به نمایندگی از جمعیت و مؤتلفانش شده بود چه گونه است که یکی از اعضای عمده جمعیت یعنی جناب قانونی مقام معاونت حنیف اتمر را پذیرفته است؟ معاون دیگر عباس نوبان است و جناب عبدالهادی ارغندیوال از طرفداران جناب اتمر است و بالاخره تیم چهارم نیز عمر داودزی است که معاونان آن اسماعیل خان و صادق مُدپر است که حامد کرزی؛ استاد سیاف؛ دادفر اسپینتا از آن پُشتیبانی و حمایت میکنند. حالا خود سیاست خارجی این چهار تیم شکلاً غیر متجانس و ماهیتاً متجانس را در نظر بگیرید و ببینید که مولانا چه گونه تیر را در قلب هدف کوفته است که اینان خرفروشانه یکی با دیگر در جنگ هستند و در یک کار باهم منفق هستند و آن یک کار حفظ امتیازات و معاش های بادآورده اینان است. آیا ممکن است که انتخاب کنندگان دست رد بر سینه هر چهار تیم بکوبند و مرد یا مردانی را به قدرت برسانند که اینان همه را به جرم پولهای اختلاس شده کشورهای کمک کننده به محاکمه بکشاند تا در برابر قانون حساب ثروتهای بادآورده خود را بدهند و نامهای سیاه خود را سپید کنند. فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۸ نومبر ۲۰۱۸ برمنگهم



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگر این نویسنده را هم مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!